خراسان روزنامه صبح ایران
یکشنبه اول مرداد ۱۳۹۶ .۲۸ شوال ۱۴۳۸ .شماره ۱۹۵۸۹

مانکجی هاتریا و شبکه جاسوسی انگلیس در ایران

مانکجی هاتریا، نخستین سفیر پارسیان هند در ایران و از عوامل اجرای سیاست های استعماری انگلیس بود. وی نخستین ایجاد کننده تشکیلات فراماسونری در ایران محسوب می شود. مانکجی که هدایت شبکه جاسوسی انگلیس در ایران را بر عهده داشت، به جریان بابی گری و بهایی گری در ایران، کمک فراوانی کرد. او یکی از مروجان تفکر باستان گرایی بود. مانکجی هاتریا در سال ۱۲۶۹، در تهران در گذشت.

گزارش تاریخی

کودتاهای موازی علیه مصدق

در ماه ژوئن امسال، وزارت امور خارجه آمریکا پس از تاخیری طولانی، اسناد مربوط به نقش ایالات متحده در کودتای آگوست ۱۹۵۳ ایران را منتشر کرد. این اسناد جزئیات جالبی را درباره کودتا افشا می کنند؛ کودتایی که در آن، گروهی از مأموران سیا با چندین ایرانی همکاری کردند تا مصدق، نخست‌وزیر ایران را سرنگون و ژنرال بازنشسته، فضل ا... زاهدی را جانشین او کنند؛ به این ترتیب، یک حکومت دیکتاتوری تشکیل شد که ۲۵ سال به طول انجامید. این اسناد، اطلاعات بسیار مهمی را ارائه نمی دهند. کتاب خاطرات کرمیت روزولت، رئیس عملیات سیا در ایران، در سال ۱۹۷۹ به چاپ رسید و سپس، اولین تاریخچه رسمی سیا از وقایع کودتا توسط دونالد ویلبر، یکی از اصلی‌ترین طراحان کودتا، با ویرایش و حذف بخش‌هایی از آن، در سال ۲۰۰۰، در نیویورک تایمز منتشر شد. با وجود این، بسیاری از سوالات مربوط به نحوه انجام کودتا بی‌پاسخ مانده‌اند. مجموعه جدید اسناد، جزئیات جالبی را درباره نحوه تصمیم گیری درباره کودتا در اختیار خواننده قرار می دهد. به نظر می‌رسد که آلن دالس، معاون وقت سیا که بعدها به ریاست این سازمان رسید، حامی اصلی این ایده بوده باشد. او حتی پیش از نخست‌وزیری مصدق، خواهان مداخله آمریکا در امور ایران بود و تنها دو هفته پس از به قدرت رسیدن مصدق، سرنگونی او را در رأس کار خود قرار داد. جالب این جاست که در این مجموعه، اشاره‌ای به جان فاستر دالس، وزیر خارجه وقت، به عنوان یکی از کلیدی‌ترین حامیان کودتا نشده است و از لابی بریتانیا برای انجام کودتای آمریکایی نیز، نام برده نمی‌شود؛ در خاطرات روزولت و دیگر گزارش‌های کودتا، به هر دوی این موارد پرداخته شده است. در این مجموعه، معلوم نمی شود که مقامات آمریکایی در چه تاریخی تصمیم به انجام کودتا گرفتند؛ ولی به نظر می‌رسد، این تصمیم گیری در فاصله ۴ مارس تا ۲ آوریل ۱۹۵۳ گرفته شده باشد. اگرچه مقدمات کودتا در دوره ریاست جمهوری آیزنهاور برنامه‌ریزی شد ولی سیا در زمان ترومن نیز، چندین طرح و نقشه مختلف برای کودتا را بررسی کرده بود: نخستین طرح در آگوست ۱۹۵۲ توسط مکس تورنبرگ به سیا ارائه شد. او یکی از مدیران صنعت نفت و مشاور وزارت خارجه بود و سابقه‌ای طولانی در زمینه ایران داشت. نقشه دوم، یک ماه پس از آن، توسط جان لویت، افسر سیا، طراحی شد. نقشه سوم، در پاسخ به طرح لویت برنامه‌ریزی شد که در آن، دونالد ویلبر پیشنهاد می کرد مقامات آمریکایی اللهیار صالح، سفیر ایران در واشنگتن را که از متحدان مصدق بود، برای جانشینی او بررسی کنند.

منبع: سایت تاریخ ایرانی

نوشتاری از استاد عبدا... شهبازی

فراماسونری در ایران پیش از «فراموشخانه مَلکُم»

گروه اندیشه
info@khorasannews.com

فراماسونری تشکیلاتی است برای جذب نخبگان، بر بنیاد عقاید و آرمان‌های معین؛ عقاید و آرمان‌هایی که از طریق غلبه بر تعلق‌های دینی و قومی و بومی، هم‌پیوندی با کانون‌های تعیین کننده قدرت جهانی و سازمان دهی این نخبگان را، در پیرامون و در راستای اهداف و برنامه‌های کانون‌های فوق، تأمین کند. طبق این تعریف، فراماسونری، همانند صهیونیسم و دیگر فرقه‌ها و نحله‌های مشابه، تنها یکی از جریان‌های فرهنگی و سیاسی است که کانون‌های تعیین کننده قدرت برای تأمین منافع خود و تنظیم سازوکار سلطه بر جوامع بشری، در سده‌های اخیر پدید آورده‌اند. از این‌رو، فراماسونری، صهیونیسم و فرقه‌ها و جریان‌های مشابه، اصل به شمار نمی‌روند، بلکه به عنوان ابزارهایی در خدمت شبکه‌ای از خاندان‌های خویشاوند و هم‌پیوند شناخته می‌شوند که از چند سده پیشینه تمرکز ثروت و قدرت در دست خویش، برخوردارند. در این باره، در پنج جلد منتشر شده کتاب «زرسالاران یهودی و پارسی و استعمار بریتانیا» به تفصیل سخن گفته‌ام. شناخت منشأ و خاستگاه سیاسی، فکری و کارکردهای فراماسونری و پیراستن واقعیت‌ها از موهومات و افسانه‌های فراوانی که در این زمینه رواج یافته است، برایم چنان اهمیتی داشت که جلد چهارم «زرسالاران» را، به این مسئله اختصاص دادم و آن را «نخستین تکاپوهای فراماسونری» نامیدم. طبق روایت رسمی، که تاکنون مورد اجماع مورخان ایرانی بوده است، اولین تشکیلات ماسونی ایران، به نام «فراموشخانه»، در زمان ناصرالدین شاه قاجار پدید آمد. «فراموشخانه» را در اوایل و طبق نظر برخی محققان، در اواسط سال‌های ۱۸۵۰ م/ ۱۲۷۰ هـ.ق، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و پدرش میرزا یعقوب ارمنی، در تهران ایجاد کردند. استاد اعظم آن جلال‌الدین میرزا، پسر پنجاه و هشتم فتحعلی شاه بود و جلسات آن، در منزل جلال‌الدین میرزا، در محله عودلاجان تهران، نزدیک مسجد حوض، پنهان برگزار می‌شد. ناصرالدین شاه از فعالیت این تشکیلات مطلع شد و در ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸ هـ.ق/ ۱۷ اکتبر ۱۸۶۱ م با صدور اطلاعیه‌ای انحلال آن را اعلام کرد. پیشتر گفته‌ام و بعدها به طور مستدل خواهم گفت که «فراموشخانه»، در واقع، پیرامون مانکجی هاتریا، مسئول شبکه‌های اطلاعاتی حکومت هند بریتانیا در ایران، تکوین یافت. تأثیرات مانکجی بر جلال‌الدین میرزا تا به آن حد بود که به نوشته مهدی بامداد، «بسیاری از مردمان هم عصر او عقیده داشتند که شاهزاده به دین زرتشتی گرویده است و او را زردشتی می‌دانستند.» با این حال، برخلاف روایت رسمی فوق، «فراموشخانه» اولین سازمان ماسونی ایران نیست. نخستین هسته‌های فراماسونری، قریب به چهار دهه پیش از تشکیل «فراموشخانه»، در دوران سلطنت فتحعلی شاه و حکومت لرد ریچارد ولزلی در هند بریتانیا (۱۷۹۸- ۱۸۰۵ م)، در ایران پدید آمد و فراماسونری اولیه، از طریق هند در ایران، نخست در شیراز و پیرامون برخی خاندان‌های سرشناس که تا به امروز تداوم دارند و با بهره گیری از پوشش فرقه‌های اهل تصوف، به‌ویژه طریقت میرزای سکوت، تکوین یافت. در این زمان، قریب به یک سده از شروع فعالیت‌های ماسونی در هند می‌گذشت. آغاز تکاپوهای ماسونی در هند به اوایل سده هجدهم میلادی می‌رسد. در سال ۱۷۲۸ م گراندلژ انگلستان، فرمانی دال بر تأسیس لژ در بنگال صادر و در سال ۱۷۲۹، کاپیتان رالف فاروینتر را به عنوان «استاد اعظم منطقه‌ای هند» منصوب کرد. فاروینتر در سال ۱۷۳۰ به تأسیس لژی در بنگال دست زد. اواخر سده هجدهم میلادی، در بنگال ده لژ ماسونی فعالیت می کرد که کهن‌ترین آن «لژ ستاره شرق»، به شماره ۴۰، در بندر کلکته بود. این لژ به عنوان اولین لژ بنگال شناخته می‌شود. درباره خاندان ولزلی که تا به امروز در ترکیب الیگارشی جهانی جایگاه شامخ دارد و دو چهره نامدار آن، ریچارد ولزلی (ارل مورنینگتون) و آرتور ولزلی (دوک ولینگتون) و پیوند ژرف ایشان با خاندان روچیلد و زرسالاران یهودی بریتانیا، به تفصیل سخن گفته‌ام و نیز، رابطه عمیق آنها را با خاندان قوام شیرازی بررسی کرده ام. آن چه این نظر را تأیید می کند، یکی تکاپوهای ماسونی میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) و سِر گور اوزلی، در سال‌های ۱۸۱۰ میلادی است و دیگری، گزارش جوزف ولف است؛ آنجا که در ۱۰ ژانویه ۱۸۴۴، وارد خانه سلیمان خان، حاکم شهر خوی، می‌شود و می نویسد: «سلیمان خان آشنای قدیمی من و به رغم مسلمان بودن، فراماسون است.» این قراین نشان می‌دهد که در دوران فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار، سال‌ها پیش از تشکیل «فراموشخانه»، شبکه‌ای از ماسون‌ها در ایران حضور داشت که چیز زیادی درباره آن نمی دانیم. میرزا ابوالحسن خان ایلچی شیرازی، خواهرزاده و داماد ابراهیم خان اعتمادالدوله، از آغاز مورد توجه ویژه این کانون جهان‌وطن بود. در سال ۱۲۱۵ هـ.ق/ ۱۸۰۱ م ابراهیم خان اعتمادالدوله (حاج ابراهیم کلانتر)، صدراعظم مقتدر فتحعلی شاه، و فرزندان و خویشان او، که حکمرانان بخش وسیعی از ایران بودند، به ناگاه مغضوب و تارومار شدند. در «زرسالاران»، این حادثه را بررسی کردم و علت آن را، توطئه ابراهیم خان اعتمادالدوله و بستگانش، علیه اتحاد فتحعلی شاه با پاول، تزار روسیه و ناپلئون بناپارت، امپراتور فرانسه، دانستم که مستملکات بریتانیا در هند را مورد تهدید قرار می‌داد. در این زمان، میرزا ابوالحسن خان شیرازی، حاکم شوشتر بود. او به هند گریخت و با حمایت لرد ولزلی، تا سال ۱۸۰۵، به مدت چهار سال، در هند زندگی مرفهی داشت. پس از اعاده رابطه حسنه فتحعلی شاه با بریتانیا و به تبع آن، اعاده اقتدار بازماندگان خاندان ابراهیم خان اعتمادالدوله، میرزا ابوالحسن خان شیرازی، در سال ۱۸۰۹، با عنوان «ایلچی» به لندن رفت. در این زمان، ریچارد ولزلی در دولت اسپنسر پرسیوال، وزیر امور خارجه بود و برای برکشیدن میرزا ابوالحسن خان در ایران، سنگ تمام گذاشت. لرد ولزلی نامه‌ای به صدراعظم ایران نوشت و از خردمندی شاه در انتصاب فردی «چنین شایسته» به عنوان ایلچی، تشکر کرد. ظاهراً میرزا ابوالحسن خان ایلچی شیرازی، اولین ایرانی است که در انگلستان به فراماسونری پیوست. به نوشته رابرت فرک گولد، نویسنده تاریخ رسمی فراماسونری، میرزا ابوالحسن خان در ۱۵ ژوئن ۱۸۱۰ در لندن به لژی که ریاست آن را لرد موئیرا به دست داشت، باریافت و ماسون شد. در سال‌های ۱۸۱۳- ۱۸۲۳ م لرد موئیرا (که در ۱۸۱۶ مارکیز هستینگز لقب گرفت)، فرمانفرمای کل مستملکات بریتانیا در هندوستان بود. سال‌های حکومت او در هند را دوران تحکیم امپراتوری استعماری بریتانیا در شرق می‌دانند. در این سال‌ها، لرد موئیرا عالی‌ترین مقام فراماسونری هند نیز بود و به کمک دکتر سِر جیمز برنس و سران طایفه پارسی هند، فراماسونری را در منطقه اشاعه داد. دکتر سِر جیمز برنس اسکاتلندی، برادر بزرگ سِر آلکساندر برنس، افسر نامدار سرویس اطلاعاتی بریتانیاست که در کوران شورش کابل، در ۲ نوامبر ۱۸۴۱، به دست مردم به قتل رسید. لرد موئیرا در دوران حکومت خود بر هند، شالوده‌ای را استوار کرد که بر بنیاد آن، در سال‌های پسین، تکاپوی کمپانی‌های انگلیسی و آمریکایی در عرصه تجارت جهانی تریاک اوجی بی سابقه گرفت. دهه پس از حکومت او، به عنوان دوران افزایش چشمگیر صدور این کالای بسیار سودآور به چین شناخته می‌شود. در سال ۱۸۲۰، سالیانه حدود چهار هزار صندوق تریاک به چین صادر می‌شد که در سال ۱۸۳۰، به بیست هزار صندوق رسید. در سال ۱۸۲۰، در چین حدود ۲۶۰ هزار معتاد به تریاک وجود داشت که در سال ۱۸۳۰ به بیش از یک میلیون نفر رسید. از طریق قاچاق تریاک به چین، سران طایفه پارسی هند، مانند اعضای خاندان‌های جیجی بای، کاما، تاتا، باناجی، دادی‌ست، ردی‌مانی (جهانگیر)، پاتل، وادیا، مهتا و غیره، به سان شرکای انگلیسی، آمریکایی و یهودی خود، به ثروت‌های افسانه‌ای دست یافتند. مهماندار میرزا ابوالحسن خان شیرازی در لندن، سِر گور اوزلی بود. اوزلی ابوالحسن خان را به ضیافت‌های باشکوه سران یهودی بریتانیا، روچیلدها و گلداسمیدها برد و عضویت او را در جرگه ماسون‌ها ترتیب داد. اوزلی در سال ۱۸۱۰، قبل از عزیمت به ایران، از سوی لرد موئیرا، به عنوان «استاد اعظم منطقه‌ای» فراماسونری ایران منصوب شد. سِر گور اوزلی در انگلستان ماسونی بلندپایه بود و طبعاً در ایران نیز، تکاپوهای ماسونی را ادامه داد. او به عنوان ایلچی بریتانیا، به همراه میرزا ابوالحسن به ایران آمد و در سال‌های پسین و همدستی با میرزا ابوالحسن خان، نقش بزرگی علیه منافع ملی ایران ایفا کرد؛ به ویژه در انعقاد پیمان‌های میان ایران و روسیه. باید اهمیت پیوندهایی را که کسانی چون میرزا ابوالحسن خان شیرازی، در آغاز سده نوزدهم میلادی از آن برخوردار بودند، بهتر درک کنیم. میرزا ابوالحسن خان شیرازی در سال‌های ۱۸۰۱- ۱۸۰۵ م در هند و در سال‌های ۱۸۰۹- ۱۸۱۰ م در انگلستان، با خاندان‌هایی حشر و نشر داشت، چون ولزلی، روچیلد و گلداسمید، که تا به امروز در قله قدرت و ثروت جای دارند و از طریق مجتمع‌های عظیم فراملیتی، نقش بزرگی در سرنوشت جهان ایفا می کنند. گمان نمی کنم این پیوندهای دیرین و ژرف، آسان به دست بیاید و آسان بگسلد.

میرزا ملکم خان

بازیگران تاریخ

اردشیر ریپورتر و ۴ دهه خدمت به منافع انگلیس

اردشیر جی پسر ایدلجی پسر شاپور، در ۳۱ مرداد ۱۲۴۴ (هـ.ش)، در خانواده‌ای زرتشتی و ایرانی تبار، در بمبئی به دنیا آمد. پدر و پدر بزرگ او از گزارشگران روزنامه انگلیسی تایمز در بمبئی بودند. اردشیر پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در این شهر، به انگلستان رفت و علوم و حقوق سیاسی، تاریخ شرق و تاریخ باستان خواند. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، وی در اوایل سال ۱۸۹۳، در ۲۷ سالگی، به بمبئی برگشت و به عنوان صاحب منصب سیاسی در دفتر نایب‌السلطنه هندوستان مشغول کار شد. در پاییز همان سال، در پی درگذشت مرموز کیخسرو جی خان‌صاحب، سرپرست زرتشتیان ایران، اردشیر از سوی سر دینشاه پتیت، رئیس انجمن اکابر پارسیان بمبئی، به عنوان نماینده این انجمن و سرپرست جدید زرتشتیان انتخاب و عازم ایران شد. وی در همان ابتدا، مأموریت نیمه تمام کیخسرو جی خان‌صاحب را به سرانجام رساند و هدایای انجمن اکابر پارسیان بمبئی را به ناصرالدین شاه، ظل‌السلطان، امین‌السلطان و دیگر رجال ناصری تقدیم کرد. اردشیر جی پس از ورود به ایران، در خانه ارباب جمشید جمشیدیان اقامت گزید. وی در ایران ازدواج کرد و حاصل آن دو پسر به نام‌های جمشید و شاپور بود. وقتی در سال ۱۳۱۷ (هـ.ق)، مدرسه علوم سیاسی توسط میرزا نصرا... خان مشیرالدوله و پسرش میرزا حسن خان مشیرالملک (پیرنیا) تأسیس شد، اردشیر جی در کنار معلمانی چون مشیرالدوله، صدیق حضرت، میرزا حبیب‌ا... معلم و عبدالرزاق خان، تدریس تاریخ را برعهده گرفت. تدریس در مدرسه علوم سیاسی زمینه‌ساز ارتباط با بسیاری از رجال سیاسی آینده ایران شد. همچنین، رجال معروف انگلستان، مانند سرپرسی سایکس، سر دنیس رایس و لرد لینگتن از دوستان صمیمی اردشیر ریپورتر بودند و کابینه انگلستان، وی را به سمت مشاور مخصوص سفارت خود در تهران منصوب و گذرنامه خصوصی برایش صادر کرده بود. حضور اردشیر جی در ایران، برای رسیدگی به امور زرتشتیان بود؛ اما عزل و نصب‌های متعدد وی در انجمن‌های مستقل زرتشتی، باعث نارضایتی زرتشتیان می شد. زرتشتیان تهران، کرمان و یزد در مکاتباتی با رئیس‌الوزرا و وزارت داخله، خواستار دخالت دولت ایران شدند تا انجمن اکابر پارسیان هند نماینده دیگری اعزام نکند؛ اما با وجود این مخالفت‌ها، با حمایت انگلستان، اردشیر جی به فعالیت خود در ایران ادامه داد.

تحلیل های روز را رصد کنید
www.Rasad.org
پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش روزنامه خراسان